

واژه‌های فلسفی ابن سینا

و

معادل‌های لاتینی آنها*

محمد تقی دانش‌پژوه

درباره ارزش شفای ابن سینا همین بس که خود او در نامه‌اش به کیا ابوجعفر محمد بن حسین مرزبان چنین می‌نویسد: و قد قضیت الحاجة فی ذلک فی ما صنفته من کتاب الشفاء العظیم المشتمل علی جمیع علوم الاوائل حتی الموسیقی بالشرح والتفصیل والتفریع علی الاصول (آنچه بدان نیاز بود در این دفتر بزرگ برآورده‌ایم و همه دانشهای پیشینیان را تا موسیقی گسترده و با گزارش در آن گنجانده‌ایم و شاخه‌ها و فروع را از ریشه و اصل بیرون کشیده‌ایم). بدوی، *ارسطو عند العرب*، ص ۱۲۱.

او در آغاز منطق شفا هم می‌گوید که من خواسته‌ام مغز دانشهای فلسفی گذشتگان را برگزینم و دور از هر آلاشی در آن بگذارم و به شبهات پاسخ گویم. ابوعبید گوزگانی در سرگذشت او می‌نویسد که او دانشجویان را در هنگام وزارت شمس‌الدوله شبانه به خانه خویش می‌خواند و من شفا را برمی‌خواندم و

*. معارف، دوره ۲ فروردین - تیر ۱۳۶۴، ش ۱: ۱۶۷-۱۷۴.

دیگران قانون را.

شفا برای ارزشی که داشت کتاب درسی شد و دانشمندان بدان می‌نگریستند. نوشته‌اند که خیام ریاضی‌دان، در پایان زندگی، الهیات آن را می‌خوانده است و میمون بن نجیب واسطی منطق و طبیعی و الهی آن را از بر کرده بود. در سرگذشت ابن سهلان ساوی آورده‌اند که «کان بیع کل نسخه من کتاب الشفاء بمائة دینار من خطه». (به اوقات به نسخ کردی نسخه‌ای از کتاب شفا به صد دینار دادی) (ابوالحسن بیهقی، *تتمة صوان الحکمه*، ص ۹۸ و ۱۶ و ش ۷۴، *درة*، ش ۶۸، *نزهة الارواح* ۲: ۵۶).

ابن سینا در این دفتر بزرگ و ارزنده، گذشته از گنجاندن مسائل فلسفی آن روزگاران راه نگارش ارسطو را دنبال کرده و تا توانسته روش تاریخی و زبان‌شناسی و پندارشناسی او را در آن به کار برده است. در فصل چهارم مقاله یکم الهی شفاء، درست مانند دفتر بتای *متافیزیک* ارسطو، که در آن مسائل دشوار یا «آپوری *aporie*»ها را برشمرده است، از مسائل کاوش کردنی یاد کرده است که هرتن Horten و قنواتی Anawati در دو ترجمه آلمانی و فرانسوی آن با کمک حاشیه صدرای شیرازی در زیر صفحات و در یادداشتها جای حل آنها را در فصلهای آینده نشان داده‌اند. همچنان که مترجمان اروپایی *متافیزیک* ارسطو، مانند راس Ross و بونیتس Bonitz و تریکو Tricot و دیگران چنین کرده‌اند.

پس شایسته است که درباره شفا ابن سینا به همان تحقیقاتی دست زد که دانشمندان اروپایی درباره نوشته‌های افلاطون و ارسطو، به‌ویژه *متافیزیک* او کرده‌اند. دانشمندان ما درباره این دفتر بسیار کار کرده‌اند، چه می‌دانیم که تنها از الهیات شفا بیست و هشت دانشمند ایرانی گزین کرده یا بر آنها شرح و حاشیه

نوشته‌اند (دیباچه نگارنده بر نجات، ص ۷۵-۷۸). ولی کاری که ما هنوز نکرده‌ایم ولی دانشمندان اروپایی گامهایی در راه آن برداشته‌اند این است که باید واژه‌ها و اصطلاحات شفا را روشن ساخت و همتای آنها را در زبانهای یونانی و سریانی و پهلوی و لاتینی و عبری و فارسی نشان داد. و با این کار سنجشی رشته پیوند اندیشه فلسفی ابن‌سینا را با اندیشه فلسفی دانشگاههای آتن و اسکندریه و انطاکیه و ادسا و نصیبین و حرّان و قنسرین و جندی شاپور و بغداد و مرو، که پیش از وی بوده است، و با فرهنگ دانشمندان لاتینی‌زبان پس از وی پیدا کرد و دریافت که او از گذشتگان چه گرفته و به آیندگان چه داده است.

برای این کار و پی بردن به زبان فلسفی ابن‌سینا، مانند دیگر دانشمندان بزرگ، دو راه در پیش است:

۱. تدوین و تعریف مصطلحات و نگارش واژه‌نامه، مانند آنچه خود ابن‌سینا در کتاب الحدود و لسان‌العرب، و فارابی در *الأسئلة اللامعة و الاجوبة النافعة* پایه‌گذاری کرده‌اند. در آن روزگاران نگارشهای دیگری هم سراغ داریم که آنها را راهنمای کار ابن‌سینا و فارابی می‌توان به‌شمار آورد. مانند *التنوير قمری بخاری* که فارسی آن هم چاپ شده است (دانشگاه تهران: ۲۸۳۶/۴؛ کتابخانه ملک ۵: ۱۸۹ ش ۷۰۸/۱۲؛ آستانه قم: ۲۳۰). همچنین فرهنگنامه‌های کلامی سید مرتضی و شیخ طوسی و صاعد آبی که من آنها را چاپ کرده‌ام و فرهنگنامه اصولی شیخ مفید و جوینی که چاپ شده است. رساله‌ای به فارسی به نام حدود ارسطو هم داریم (دانشگاه تهران ۳: ۴۱).

۲. تدوین فهرست واژه‌های فلسفی یا ایندکس برای آنها، چنانکه فر. آست Fr. Ast در چاپی که از نگارشهای افلاطون در سالهای ۱۸۳۵-۱۸۳۸ کرده و پس از آن یک بار در سال ۱۹۰۸ و بار دیگر در سال ۱۹۵۶ تجدید چاپ شده است فرهنگنامه افلاطونی (*Lexicon Platonicum*) با آن همراه کرده است.

۳. همچنین در سال ۱۹۶۴، ادوارد دیپلاس Edouard des Places، فرهنگ زبان فلسفی دینی افلاطون (*Lexico de la langue philosophique et religieuse de Platon*) را به نگارش درآورده و واژه‌های یونانی او را به فرانسه ترجمه کرده و جای آنها را از روی چاپ هنری استین Henri Estinne نشان داده است. شماره صفحات و بندهای آن جایها از روی همین چاپ است که در چاپها و ترجمه‌های آلمانی و فرانسوی و انگلیسی و فارسی نگارشهای افلاطون هم در کنار صفحات نشان داده می‌شود.

به یاری این‌گونه فهرستها و واژه‌نامه‌ها هرکسی می‌تواند واژه‌ای را که می‌خواهد به آسانی بیابد، و با راهنمایی همین فهرستها و شماره‌ها و بندهای آن هر مطلبی را در آن نگارشها در هر چاپ درستی که باشد می‌توان یافت.

بونیتس در سال ۱۸۷۰، فهرستی به نام فهرست ارسطاطالیسی (*Index Aristotelicus*) نوشته است که افزارکاریست سودمند برای هرگونه کاوش ژرف درباره اندیشه ارسطو، و به‌طور کلی دوستاران فلسفه ناگزیرند که در کاوشهای خود بدان بنگرند. این فهرست، در بخش پنجم چاپی که ایم. بکر Imm. Bekker از نگارشها و گزارشها و ترجمه‌ها و پراکنده‌های ارسطو در برلین در سال ۱۸۳۱

آغاز کرده و در سال ۱۸۷۰ به پایان رسیده آمده است. شماره صفحات و سطرهای همین چاپ است که در همان ایندکس یا فهرست بونیتس و در چاپها و ترجمه‌های دیگر نگارشهای ارسطو نشان داده می‌شود و با این شماره‌ها می‌توان به آسانی هر مطلب یا هر واژه‌ای را پیدا کرد.

در پایان چاپی که راس Ross در سال ۱۹۲۴ با حواشی انگلیسی و بونیتس در سال ۱۸۷۱ با ترجمه آلمانی و هیو تردنیک Hugh Tredennick در سال ۱۹۳۳ با ترجمه انگلیسی و تریکو Tricot در سال ۱۹۸۱ تنها با ترجمه فرانسوی از متافیزیک ارسطو کرده‌اند نیز واژه‌نامه‌ای یونانی با انگلیسی و فرانسوی آمده است. تروی ویلسون آرگان Troy Wilson Organ هم در سال ۱۹۴۹ از روی چاپ راس و اسمیت Smith در آکسفورد در ۱۹۰۸-۱۹۳۱ واژه‌نامه‌ای به انگلیسی برای ارسطو به نام *An Index to Aristotle* نوشته که بسیار سودمند است. کار او را می‌توان دنباله همان *کریوس اریستو تلیکوس* نوشته بونیتس دانست. این واژه‌نامه مانند ایندکس ابوت Abbott است برای ترجمه انگلیسی جوت Jowett از نگارشهای افلاطون.

واژه‌نامه‌ای که موریتس بوئیز در پایان تفسیر *مابعدالطبیعه* ابن رشد گذارده است فهرست خوبی است برای پی بردن به برابری‌های عربی واژه‌های الهی ارسطو و واژه‌های زبان فلسفی ابن رشد و برای دریافت فلسفه ابن‌سینا هم سودمند خواهد بود. در این فهرست به نامهای کسان و نامه‌ها هم برمی‌خوریم که در مانند آن چنین چیزی نیست.

اکنون برویم بر سر نگارش ابن‌سینا، می‌دانم که درباره واژه‌های زبان فلسفی ابن‌سینا و نسخه‌های لاتینی نگارشهای او و ترجمه آنها به زبان فرانسه سه

در واژه‌نامه عربی و یونانی ۷۸۷ واژه در برابر ۴۵۰ واژه یونانی با اشاره به شماره‌های عربی و به جایگاه آنها در نگارش‌های ارسطو دیده می‌شود. گواشن در صفحه ۹ دیباچه این کتاب می‌نویسد: «در آشنایی با هر فلسفه‌ای باید اصطلاحات آن را دریافت و بدین وسیله به زبان فیلسوف پی برد. چنین واژه‌نامه‌ای برای پی بردن به فلسفه خاوری در دست ما نبود. در فرهنگهای عربی نیز نشان داده نشده بود که واژه‌های فلسفی ساخته و پرداخته کدام فیلسوف است و سرچشمه آنها کجاست. در سال ۱۹۱۲، وزارت فرهنگ مصر در قاهره انجمنی را مأمور تدوین فرهنگی فنی به عربی برای دانشها و هنرها کرد. از لویی ماسینیون هم خواسته شده بود که در دانشگاه الازهر در این باره سخنرانی کند. ماسینیون در آن سخنرانی گفت که پیش‌درآمد دانشها فلسفه است و فرهنگ فلسفی خود پایه کار است برای فرهنگ همه دانشها. او در این باره در آنجا برای واژه‌های منطق پنج و برای روان‌شناسی چهار و برای هستی‌شناسی چهار درس داد و در سال ۱۹۲۷-۱۹۲۶ در کلژدوفرانس برای واژه‌های فنی شالوده‌ای ریخت و از برابره‌های لاتینی آنها یاد کرد. ما در این کتاب به زبان ابن‌سینا پرداخته‌ایم و برای ۷۹۲ واژه فلسفی عبارات مناسب و شایسته آنها را از کتابهاش *شفا* چاپ تهران و نسخه خطی «منطق» آن در لیدن و *نجات* (چاپ ۱۳۳۱) و *منطق‌المشرقیین* (چاپ ۱۳۲۸) و *تسع رسائل ابن‌سینا* (چاپ ۱۳۲۶) و *جامع‌البدایع* و ترجمه‌های لاتینی هم آورده‌ایم.»

او در آغاز واژه‌نامه با فرهنگ سنجشی ابن‌سینا، که بخش دوم است، می‌نویسد که هرکه به اندیشه فلسفی ابن‌سینا می‌پردازد به این می‌اندیشد که پیوند آن را با اندیشه فلسفی یونانیان به‌ویژه ارسطو و افلوطین بیابد. اگرچه دانشمندان عربی زبان اندیشه ابن‌سینا را مستقل می‌دانند و می‌گویند که این اندیشه دنباله تفسیر قرآن و آموزش اخلاقی و کلامی رایج زمان است، ولی فیلسوفانی که با اندیشه یونانی آشنا هستند می‌کوشند تا با نگرستن به آن به رشته پیوسته فرهنگ یونانی و ایرانی از روزگاران پیش تا روزگار رونق دانشگاه بغداد برسند. این رشته در آموزشگاه‌های ایرانی مسیحی و سریانی آغاز شده است و با نگاه کردن به نسخه‌های یونانی و پهلوی و سریانی و عربی که در گنجینه‌ها موجود است می‌توانیم به این رشته پیوسته فرهنگی برسیم. پیداست که برای ما فرهنگ‌نامه‌ای سودمند خواهد بود که نشان دهد که هر واژه‌ای در کجای متنهای یونانی و سریانی و عربی آمده است. این کار به ما کمک خواهد کرد تا واژه‌نامه‌ای تاریخی به‌دست آوریم و از این راه با تاریخ زبان فلسفی و دگرگونی آن آشنا شویم.

۳. الحدود ابن‌سینا که گواشن آن را از روی دو چاپ ۱۲۹۸ استانبول در *تسع رسائل* و ۱۳۲۶ قاهره ترجمه کرده و سپس با دیدن نسخه‌های تاریخ‌دار و بی‌تاریخ استانبول (که نوشته ۵۷۹ کهن‌ترین است) و اسکوریال و لیدن و موزه بریتانیا و دیوان هند و کتابخانه بادلیان و تیمور دارالکتب قاهره آن را بررسی کرده و با متن عربی در بنیاد فرهنگی فرانسوی برای آثار خاوری در قاهره به نام *ذکری ابن‌سینا*

- این هم خود (*Memorial Avicenne*, ۶) در ۱۹۶۳ چاپ کرده است. این هم خود یک واژه‌نامه دوزبانه برای فلسفه ابن‌سینا به‌شمار می‌آید که خود او آن را پایه‌گذاری کرده است.
۴. *فلسفه‌های ابن‌سینا و تأثیر آن در اروپای سده‌های میانه* (*La philosophie d'Avicenne et son influence en Europe médiévale*) (چاپ ۱۹۴۴، پاریس) که سه سخنرانی اوست در بنیاد بررسیهای خاوری و افریقایی دانشگاه لندن در ماه آزار ۱۹۴۰ و آن را رمضان لاوند به نام فلسفه ابن‌سینا و اثرها فی اروپا *خلال القرون الوسطی* به عربی برگردانده و در سال ۱۹۵۰ چاپ کرده و بسیار تاریخچه خوبی است.
۵. «دگرگونی فلسفه ابن‌سینا *L'évolution philosophique d'Avicenne*» که در مجله فلسفی (*R. ph.*) شماره‌های ژوئن و سپتامبر ۱۹۴۸ چاپ شده است (دکتر مهدوی، ۱۰).
۶. «جایگاه تعریف در منطق ابن‌سینا *La place de la definition dans la logique d'Avicenne*» که در مجله قاهره در ژوئن ۱۹۵۱، ص ۹۵-۱۰۶ چاپ شده است.
۷. ترجمه *الاشارات والتنبیها* به نام *Livre des directives et Remarques* که در ۱۹۵۱ چاپ شده و دیباچه و حواشی آن برای دریافت این دفتر گزیده و کوتاه بسیار سودمند است. در پایان این ترجمه یک واژه‌نامه عربی (به خط لاتینی) و یک فهرست نام کسان آمده است.

۸. گزارش داستان حی بن یقظان از روی سخنان ابن سینا (*La résit de Ēayy ibn Yagīān commenté par des textes d'Avicenne*) با دیباچه و ترجمه، چاپ ۱۹۵۹ پاریس (آغاز الحدود گواشن). او درباره حی بن یقظان گفتاری هم در *دائرة المعارف اسلامی* (متن فرانسوی، ۳: ۳۴۱) دارد.^(۱)

دوم خانم دالورنی The D'Alverny گنجور بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی پاریس است که درباره ترجمه‌های لاتینی نگارش‌های ابن سینا کار کرده و نسخه‌هایی از آنها را که در کتابخانه‌های اروپا موجود است شناخته و در گفتار خود در کنگره ابن سینا در بغداد، در مارس ۱۹۵۲، از آنها یاد کرده است. گفتار ارزشمند او را به نام «ورود ابن سینا به باختر Introduction d'Avicenne en Occident» در مجله قاهره چاپ ۱۹۵۱ (ص ۱۳-۱۳۹) من دیده و خوانده‌ام (ترجمه شفای ابن سینا از قنوتی، ۲۵) او می‌گوید که *شفای* و *قانون ابن سینا* را در نیمه دوم سده سیزدهم مسیحی در طلیطله (تولدو) به لاتینی ترجمه کرده‌اند. *قانون* را ژرارد کرمونی و فرارب کالیپوس و *شفای* را ابن داود (آو داوت) به لاتینی ترجمه کرده است. ولی ترجمه *شفای* گنگ درآمده و بخش متافیزیک آن در ۱۴۹۵ در ونیز چاپ شده است.

سوم خانم سیمون وانریت Simone Van Riet استاد فلسفه است که او هم درباره ترجمه لاتینی *الهیات ابن سینا* کار کرده است. ترجمه لاتینی کتاب *نفس* و *الهیات شفای* را به نام «ابن سینای لاتینی» با دیباچه‌های با ارزش و بسیار ژرف وربک G. Verbecke در سالهای ۱۹۵۲-۱۹۸۰ چاپ کرده است (آینده، گفتار دکتر مهدوی، ۸: ۲۸۶). کتاب *النفس* که بخش ششم (۵-۱) طبیعیات شفاست در

دو جلد در سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۸ و فلسفه آن به نام «دفتر فلسفه نخستین یا دانش الهی» هم در دو جلد در سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ چاپ شده و بخشهای دوم تا پنجم طبیعیات شفا زیر چاپ است. الهیات یا فلسفه نخستین شفای آن مانند متن در ده مقاله است.

فرهنگنامه یا واژه‌نامه‌ای که خانم وانریت در سال ۱۹۸۳ در لیدن چاپ کرده است^(۲) مجلد پنجم ابن‌سینای لاتینی است و در آن ترجمه لاتینی یا متن *الهیات شفا* چاپ ۱۹۶۰ مصر سنجیده شده است. این مجلد دارای دو بخش است. نخست واژه‌های عربی به خط عربی از روی ریشه‌ها و مشتقات آنها به خط لاتینی و همتاهای لاتینی آنها، دوم واژه‌های لاتینی همراه با همتاهای عربی آنها به خط لاتینی و با اشاره به صفحات و سطرهای دو مجلد ترجمه لاتینی *الهیات شفا* چنانکه در دیباچه آن (ص ۲) بدان اشارت شده است.

غلطنامه‌ای که قنواتی در ترجمه فرانسوی *الهیات شفا* (ص ۲۲-۲۴) برای چاپ مصر گذارده و همچنین غلطنامه‌ای که خود وانریت برای بخش دوم *الهیات شفا*، که ترجمه فرانسوی آن را خود قنواتی هنوز چاپ نکرده است، آورده هم در آن رعایت شده است (ص ۲).

این واژه‌نامه، چنانکه وانریت نوشته است (ص ۱)، گذشته از اینکه واژه‌های عربی شفا و واژه‌های لاتینی ترجمه آن را با یکدیگر می‌سنجد به ما کمک می‌کند تا با اصطلاحات فلسفی مقالات دهگانه *الهیات شفا* آشنا شویم و نشان می‌دهد که واژه‌های لاتینی تا چه اندازه با واژه‌های عربی ابن‌سینا برابری دارد.

پس با این واژه‌نامه لاتینی و فرهنگ‌نامه‌های یونانی و اروپایی و عربی دیگر که یاد کرده‌ام ما با کار ابن‌سینا و ریشه و اثر آن به‌خوبی آشنا می‌شویم و به جایگاه تاریخی آن پی می‌بریم.

یادداشت‌ها:

۱. بنگرید به گفتار گواشن درباره ابن‌سینا در *دائرة المعارف اسلامی* (۳: ۹۶۵) و *دانشنامه ایران و اسلام* (ص ۶۴۲). دو فهرست فنواتی و استاد دکتر یحیی مهدوی برای نگارشهای ابن‌سینا، ترجمه شفای ابن‌سینا از فنواتی به فرانسه، ص ۲۵، و آگهی‌های آغاز نگارشهای گواشن.
2. S. van Riet, *A vicenna latinus, liber de philosophia prima sive Scientia*, I-X, Lexique, Louvain-la-Neuve, E. Peeters. Leiden, E. J. Brill, 1983, 16+354p.